

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl
www.iskraa.org

ایسکرا

۳۹۲

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت
www.m-hekmat.com

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۰ آذر ۱۳۸۶، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان **abdolgolparian@yahoo.com**

در سوگ ماکوان ۶۰۰۰ نفر ماکوان را بدرقه کردند!



مینا احدی

تحویل پدر و مادر و خانواده داغداری دادند که از دو سال قبل، به ناگهان وارد گردبادی شده و بالاخره نیز فرزندان به قتل رسیدند. از پدرش وقتی می پرسیدند، چرا او را گرفته اند، میگفت شاید به صفحه ۲

ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۵ دسامبر، رهسپار جایی هستم، تلفنم زنگ میزند. از آنطرف خط صدای هراسان کسی را می شنوم که میگویی خانم احدی ماکوان را کشتند..... سوال میکنم چطور، کجا، چرا؟؟؟؟ و او پاسخ میدهد که امروز صبح به خانواده ما خبر داده اند، بیاید و جسد را تحویل بگیرید و سپس صدای خش خش طولانی و کسی که حق گریه میکند. سکوت طولانی در این گفتگو پیش می آید و تلفن قطع میشود. ماکوان را کشتند و جسدش را

پیام به دانشجویان آزادیخواه

شما پرچم انقلاب مردم برای رهایی را بلندتر از همیشه به اهتزاز در آورید



اصغر گرمی

جامعه و دانشگاه تشدید کرد که با سرکوب و به سکوت کشاندن شما، کل جامعه را به عقب براند اما توسط شما شکست خورد. علیرغم همه این تمهیدات، شما مصمم تر و رادیکال تر به میدان آمدید تا نه تنها درمقابل سرکوب و بیحقوقی مردم، بلکه همچنین درمقابل بخش های مختلف به اصطلاح اپوزیسیونی که با پرچم های ناسیونالیستی، قوم پرستانه و ملی اسلامی، در کنار جنگ و یا در کنار حکومت اسلامی صفحه ۲

سوسیالیستی و آزادیخواهانه، به پرچمدار مبارزه مردم ستمدیده ایران برای رهایی از جهنم حکومت اسلامی و نظام ناعادلانه سرمایه داری تبدیل شده اید. اما تجمعات امسال شما در دانشگاههای مختلف به مناسبت ۱۶ آذر گام بسیار بلندتری به جلو گذاشت و در تاریخ رهایی مردم ایران به ثبت خواهد رسید. جمهوری اسلامی دهها نفر از فعالین و رهبران شما را دستگیر کرد و فضای نظامی و پلیسی را بر

تجمعات اعتراضی باشکوه شما در روزهای گذشته برگ زرینی در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران گشود. شما در چند سال گذشته با مبارزات بحق خود و پرافراشتن شعارها و مطالبات

۱۶ آذر ۱۳۸۶ مقطعی بیاد ماندنی



محمد آسنگران

رادیکالیسم توده ای را جلو جامعه قرار داد. چه جامعه امسال قدم در راهی گذاشت که سالهای سال برای آغاز و ایجاد چنین شرایطی جدل صورت گرفته بود. همیشه رسم بر این بوده است جریانات سیاسی برای توده ای شدن باید به راست آوانس میدادند. جریانات سیاسی برای اینکه سری از میان سرها در بیاورند بالکنت زبان حرف میزدند، متمایل

هر سال مقطع ۱۶ آذر جنب و جوشی در دانشگاهها و جامعه بوجود می آید. اما امسال این مقطع شاخص تر و برجسته تر از هر سال دیگر بود. چه تر و سرخ تر از هر سالی بود. امسال يك هفته جامعه ایران شاهد کاردانی، جسارت و عروج رادیکالیسم و انسانگرایی در دانشگاهها بود. این حرکت نمودی از

پاپوش دوزی برای دانشجویان زندانی موقوف! با دنیا و با ما طرف هستید!

صفحه ۳

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

بی خبری کامل از سرنوشت یاسر گلی، دانشجوی در بند

صفحه ۴

مرگ يك کاروانچی دیگر بدست ماموران رژیم

صفحه ۵

وخامت وضعیت جسمانی محمود صالحی و تحت فشار قرار دادن او از لحاظ روحی

صفحه ۶

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجویان دانشجویان در بند باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

صفحه ۶

کارگران هفت تپه با دست زدن به اعتصاب، حقوق خود را دریافت کردند فعالین کارگری در هفت تپه همچنان تحت فشار وزارت اطلاعات هستند

صفحه ۶

برو توی بند، عین سگ بمیر!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام به دانشجویان آزادیخواه . . .

ازصفحه ۱

قرار گرفتند، صف متمایز خود را به همگان نشان دهید و قطب انسانیت، قطب مردم ستمدیده و آزادیخواه، قطب مردمی که آرزوی بگور سپردن هرنوع تبعیض و بیحقوقی و استثمار و نابرابری را دارند، با شایستگی نمایندگی کنید. در یکی از حساس ترین شرایط هیچ جریانی نتوانست مسیر حرکت شما را با مستمسک قرار دادن جنگ و با استفاده از نفرت مردم از جنگ، منحرف کند و از سایر خواستها و مطالبات بحق تان باز دارد. شما پرچم انقلاب مردم برای آزادی، برابری، سوسیالیسم و رهائی از ستم جنسی، آپارتاید جنسی و استبداد سیاسی را همچنان بر افراشته نگه داشتید و نقش موثری در گسترش این افق و تحکیم این شعارها در جنبش انقلابی مردم ایفا کردید.

حزب کمونیست کارگری به شما درود میفرستد و با تمام قوا در کنار شما و برای آزادی یاران در بندمان تلاش خواهد کرد. حزب همه مردم آزادیخواه را به حمایت قاطعانه از مبارزات شما، از مطالبات بحق شما و بویژه برای آزادی عزیزان به اسارت گرفته شده فرامیخواند. شعار آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دانشجویان دستگیر شده و کلیه زندانیان سیاسی، باید همه جا طنین افکند. حزب، کارگران و بخشهای مختلف مردم را به حمایت از این خواست فرامیخواند و در سطح بین المللی نیز بیشترین تلاش را برای بسیج افکار عمومی و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی برای آزادی دانشجویان و کلیه زندانیان سیاسی بعمل خواهد آورد.

اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۹ آذر ۱۳۸۶؛ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷



در سوگ ماکوان . . .

ازصفحه ۱



ماکوان مولودی زاده

این دلیل که در خیابان سیگار کشیده.. ماکوان را با سر تراشیده، سوار الاغ کرده و در شهر گردانند. اینها مدافعین ۱۴۰۰ سال قبل، مدافعین موربانه و کپک زدگی، مدافعین تحجر و عقب ماندگی، اینها حکومت پوسیده جمهوری اسلامی هستند. چهل و ساعت است که دستم به هیچ کاری نمیروم.

روز چهارشنبه نفرین شده، ۵ دسامبر، فیلم کوتاهی از مراسم تشییع جنازه ماکوان به دستم میرسد و چند ثانیه فیلم از صحنه جسد ماکوان که در یک گورستان در پناه، آرمیده است. بدنش چنان قوی و جوان است که باور نمیکنم، او مرده است. فقط روی گردنش آثار کبودی و طناب دار مشهود است و ماکوان با صورتی آرام و هیكلی بزرگ، گویی برای عکس گرفتن روی یک تخت دراز کشیده در این فیلم دیده میشود. ماکوان را کشتند!!!!

این سند جنایت یک حکومت فاشیست اسلامی است. در گورستان پناه، دسته دسته جوانان برای وداع آخر با او از راه میرسند. سیصد ماشین پشت سرهم و در سکوت وارد محوطه قبرستان میشوند و در این فیلم مشهود است که غم و درد و نفرت زیادی در فضا موج میزند. مردم از همه روستاهای اطراف، از کرمانشاه و پناه رهسپار شرکت در مراسمی هستند، که بیانگر واضح اعتراض به این جنایت و جنایتکاران است. ۶۰۰۰ نفر در مراسم شرکت

میکند. ماکوان را کشتند، برای اینکه از همین هزاران جوان که در اینجا جمع کرده اند و حکومت نماینده الله را نمیخواهند، زهر چشم گرفته شود. ماکوان را کشتند تا در پناه و کرمانشاه و در همه جای ایران، جوانانی را که بعد از انقلاب متولد شده و از مشتی جلا و آخوند مرتجع، حساب نمیبیرند، بترسانند.

ماکوان را باید در کنار جوانانی گذاشت که در تهران با چسباندن مهر "اراذل و اوباش" در ملاعام اعدام کردند. ماکوان را باید در کنار جوانانی گذاشت که در اهواز و شیراز و بندرعباس و تبریز و ... برای ایجاد رعب و وحشت اعدام کردند.

این رفتار جنایتکارانه حکومت با جوانان و با مردمی است که به مقررات و قوانین و سنتهای ارتجاعی اسلامی نه میگویند. این رفتار وحشیانه حکومت با جوانانی است که با دنیا رابطه دارند و از زندگی همه آزادی و رفاه و انسانیت و حقوق انسانی خود را میخواهند. این رفتار رژیم اسلامی با همجنسگرایان و یا طرفداران فرهنگ و رابطه آزاد و انسانی است.

همزمان با مراسم عزاداری ماکوان، در ایران اتفاقات مهمی افتاد. درست در لحظاتی که ماکوان را صدها جوان با احترام و با بغض بدرقه میکردند، جوانان دیگری در دانشگاهها، در تهران و

همدان و کرمانشاه و تبریز، به میدان آمده و پاسخ سرکوب و خفقان و پاسخ جنایات حکومت را با پرچم های سرخ در اهتزاز و با شعارهای انسانی خود دادند. مرگ بر دیکتاتور، ما آزادی میخواهیم، نان، مسکن، آزادی،

سخنرانیهای این دانشجویان در لحظاتی بعد از انجام آن در رسانه ها و سایتها موجود است، درست همانگونه که مراسم تشییع جنازه ماکوان، لحظاتی بعد برای همه قابل دسترس است. با این نسل معترض و چپگرا با این دنیای تکنولوژی و تمدن و ارتباطات سریع، با این عطش به آزادی و زندگی انسانی، هرگز مشتی آخوند و جلا و مرتجع و مفتخور نمیتوانند مقابله کنند. این را از خامنه ای تا خاتمی، از رفسنجانی تا احمدی نژاد و از شیرین عبادی تا سازگارا همه میدانند. صفی از طرفداران دخالت اسلام در زندگی مردم، صفی از حاکمین و مغلوبین همواره مدافع حکومت اسلامی در مقابل نسلی قرار گرفته که به هیچ چیز جز همه آزادی، همه رفاه و همه انسانیت راضی نیست.

این نسل، امروز با تمام قامت خود به میدان آمده است. جمهوری اسلامی جز مرگ و قتل و شکنجه و اعدام، هیچ چیز ندارد و میلیونها جوان در ایران، عزم جزم کرده اند که بساط این حکومت سراپا ارتجاعی و قرون وسطایی را جمع کنند.

یاد ماکوان و صدها جوان، یاد همه جان باختگان در سی سال حکومت ترور و وحشت اسلامی گرامی است، وقتی پرچم های سرخ در دانشگاهها، در میتینگها و در مراسمهای کارگری به اهتزاز در می آید. یاد همه جان باختگان سی سال حکومت جنایت اسلامی را با شعار زنده باد آزادی و برابری گرامی میداریم و با این شعار و با احترام به انسان و انسانیت، تضمین میکنیم که در ایران آینده، جایی از شکنجه و اعدام و تحقیر به انسان باقی نماند.

مینا احدی
کلی - ۷ دسامبر ۲۰۰۷
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

minaahadi@aol.com

۱۶ آذر ۱۳۸۶ مقطعی بیاد ماندنی

از صفحه ۱

به راست مشییدند و بلاخره در جبهه راست قرار می‌گرفتند. حرکت ۱۶ آذر امسال نشان داد که میتوان چپ و رادیکالیسم را توده ای کرد. میتوان سیاستهای سوسیالیستی را توده ای و اجتماعی کرد. اگر چه چپ و رادیکالیسم دانشگاه هنوز در ابتدای این راه و پا به آغاز این راه گذشته است اما تا همین حد هم قدرت رادیکالیسم و سوسیالیسم جامعه را به خوبی میشود دید.

به راست مشییدند و بلاخره در جبهه راست قرار می‌گرفتند. حرکت ۱۶ آذر امسال نشان داد که میتوان چپ و رادیکالیسم را توده ای کرد. میتوان سیاستهای سوسیالیستی را توده ای و اجتماعی کرد. اگر چه چپ و رادیکالیسم دانشگاه هنوز در ابتدای این راه و پا به آغاز این راه گذشته است اما تا همین حد هم قدرت رادیکالیسم و سوسیالیسم جامعه را به خوبی میشود دید.

رژیم اسلامی با قدرت تمام در مقابل این حرکت ایستاد. سیاست سرکوب را به عنوان تنها وسیله دفاع از خود به کار گرفت. به دنبال فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در مراسم مختاری و پوینده برای تجمع و اعتراض در روز ۱۳ آذر، بلافاصله در روزهای بعد تعدادی از فعالین چپ دانشگاه دستگیر شدند. قرار بود دستگیریهایی قبل از ۱۳ آذر مانع تجمع دانشجویان چپ بشود. اما درایت و کاردانی فعالین چپ سیاست سرکوب رژیم اسلامی را ناکام گذاشت. اعلام کردند علیرغم

بخشی از رژیم اسلامی صدای چپ جامعه و دانشگاه را نتوانستند حاشیه ای کنند. به يك معنا میتوان گفت که ۱۶ آذر امسال روز چپها و سوسیالیستها بود.

چند ماه قبل در جریان تحرکات چپ دانشگاهها، راست جامعه به تکاپو افتاد. ابتدا عقلايشان اعلام کردند که شیخ لنین در آسمان ایران به حرکت در آمده است. بعداً رهبران کودنشان اعلام کردند که چپها نیرویی در ایران ندارند. از رژیم اسلامی گرفته تا رسانه های آمریکا و کل جبهه راست ملی اسلامی و ناسیونالیسم پروغرب اعلام کردند که "چپها تعدادشان ۲۰-۳۰ نفر است. گفتند چپها در دانشگاه جایگاهی ندارند. گفتند چپها فرصت طلب هستند و با پرچم ها سرخ حرکات تحکیم وحدت را به اسم خود تمام میکنند. گفتند چپها فعالیت دیگران را به اسم خود میکنند و... اما يك هفته اخیر به مناسبت ۱۶ آذر نشان داد که چپ جواب قاطعی به رجزخوانیهایی این طیف داد. کل این طیف اکنون ناچار شده است که وجود و قدرت چپ را برسمیت بشناسد. اما نباید غافل بود اینها از هر فرصتی استفاده

میکنند که جنبش چپ و آزادیخواهی را حاشیه ای کنند. رسانه های غربی و رسانه های فارسی زبان آمریکا حتی هنگامی که ناچار میشوند از چپها حرف بزنند فعالین دوم خردادی و تحکیمها را به صحنه میاورند. خویشاوندی طیف دوم خرداد و ناسیونالیستهای پروغرب در این مورد هم دیدنی بود. این يك کشمکش و جدال جنبشهای راست و چپ در جامعه است. این جدال کمونیسم کارگری و کل چپ جامعه علیه جریانات منبعت از جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب است. در این جدال تا کنون کمونیستها پیشروی قابل توجهی کرده اند. ناسیونال اسلامیه امیدي به قدرت خود ندارند. تنها امیدشان سیاست سرکوب رژیم اسلامی است. شکست رژیم اسلامی در این جنگ شکست سیاستهای راست این جنبشها هم هست.

جمهوری اسلامی بعد از موج دستگیریهایی اخیر با پاپوش دوزی برای دستگیر شدگان میخواد زهر چشم از آنها بگیرد. میخواد مانع پیشروی این جنبش بشود. لازم است همه جریانات چپ و آزادیخواه در مقابل این موج دستگیری به میدان بیایند. باید در این سنگر هم رژیم

اسلامی را شکست داد. با تجمعات اعتراضی، تومار نویسی و سازمان دادن خانواده های زندانیان، با تحرك بیش از پیش در خارج کشور و اقدامات بین المللی و... باید جنبشی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان اخیر راه انداخت. این وظیفه همه آزادیخواهان و کمونیستها است که در این مقطع حساس به میدان بیایند. زندانیان دریند چشم به انتظار ما و جامعه هستند. همینجا همه رفقای حزبی و همه فعالین کمونیست و انسانهای آزادیخواه در ایران و خارج کشور را فرامیخوانم در این کارزار با قدرت عمل کنند. از هر ابتکاری باید استفاده کرد که این عزیزان دریند نجات داد. باید با تمام توان به این میدان وارد شد و تلاش کنیم رژیم اسلامی را در این سنگر هم به شکست بکشانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران با تمام توان تلاش میکند که جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و آزادی دستگیر شدگان اخیر را به يك حرکت همه گیر و قدرتمند تبدیل کند.

۱۲ دسامبر ۲۰۰۷

پاپوش دوزی برای دانشجویان زندانی موقوف! با دنیا و با ما طرف هستی!

شکست خود را جبران کند. اما این تلاشهای مذبحخانه شکست دیگری برای رژیم اسلامی خواهد بود. تا همینجا و از زمان دستگیری دانشجویان چپ هر روز در دانشگاه، در جلو زندان، در خارج و داخل کشور اعتراض و اجتماع برپا بوده است. از تشکل های کارگری و آزادیخواه، احزاب و جریانات سیاسی مختلف اپوزیسیون تا نهادهای رسمی بین المللی به این دستگیری و سرکوب اعتراض کرده اند. فیلم و خبر تظاهرات "مارکسیست ها در دانشگاه ها" اکنون در سراسر جهان پیچیده و توجه ها را به خود جلب کرده است. ما و کارگران و مردم آزاده، خانواده های دستگیر شدگان، دانشجویان سراسر کشور و کل نیروی عظیم و پرفردت چپ و آزادیخواه جامعه تضمین میکنیم که این اعتراضات تا آزادی فوری و بی

قید و شرط همه دانشجویان زندانی ادامه یابد. وزارت اطلاعات باید بساط ورشکسته "کوکتل مولوتوف و نازنجک و توهین به مقدسات و مشروبات الکلی و تیر و کمانش" را برای همیشه جمع کند و مهیا شود تا همراه کل حکومت اسلامی گورش را گم کند!

حزب کمونیست کارگری همه مردم، همه کارگران و همه احزاب و نیروهای اپوزیسیون را فرامیخواند تا یکصدا خواهان آزادی فوری دانشجویان زندانی شوند. حزب همه تشکل های مترقی، همه تشکل های کارگری و احزاب چپ، همه ارگانهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان را فرامیخواند تا به این دستگیری ها اعتراض کنند. ما به سهم خود با تمام قوا در این راه و برای يك کمپین وسیع آزادی دانشجویان زندانی میکوشیم. حزب بویژه دانشجویان سراسر کشور را فرا میخواند تا آزادی رفقای در بندشان از پای نشینند. رژیم میخواد تا

مگر طعم شیرین پیروزی بزرگ چپ و دانشجویان را در ۱۶ آذر تلخ کند. تنها راه، گسترش اعتراض و کسب پیروزی های بیشتر است. باید بطور سراسری و متشکل و مداوم برای آزادی دستگیر شدگان مبارزه کرد و اینرا مبنایی برای ایجاد تشکل رادیکال دانشجویان ایران قرار داد. باید تلاش برای آزادی فوری دانشجویان در بند را به يك پیشروی بزرگ و همبستگی فعال و گسترده در مبارزات دانشجویان با مردم و کارگران و جنبش های اعتراضی دیگر تبدیل کرد. باید تلاش برای آزادی فوری دانشجویان زندانی را يك گام بزرگ در مبارزه کل جامعه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و بی اثر کردن حربه زندان در دستهای فرتوت و خونین رژیم اسلامی تبدیل کرد.

گسترده باد مبارزه برای آزادی دانشجویان و همه زندانیان سیاسی! مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دسامبر ۲۰۰۷، ۲۰ آذر ۱۳۸۶

کشیدن دانشگاهها از طریق تحرکات خشونت آمیز... با تهیه مواد آتش زا از قبیل کوکتل مولوتف و نازنجک و... بوده است... تعدادی از بازداشت شدگان به گرایشات مارکسیستی و تلاش برای ایجاد آشوب و تنش در دانشگاهها اعتراف کرده اند..."

اینها کدهای امنیتی اوباش اسلامی حاکم بر ایران علیه دانشجویان بازداشتی در روزهای اخیر است و معنی آن برای مردم بخوبی آشناست. رژیم اسلامی که علیرغم تلاش های گوناگون پلیسی نتوانست مانع ۱۶ آذر سرخ و وسیعی بشود که از تهران و تبریز و کرمانشاه تا مازنداران و مشهد و اصفهان و شیراز و اهواز گسترده بود، اکنون میکوشد با پاپوش دوزی برای دانشجویان و احیاناً عملیات و سوهای امنیتی ایجاد رعب،

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی طی بیانیه ای در مورد دستگیری گسترده دانشجویان چپ در روزهای اخیر، اتهامات مسخره و در عین حال تهدید آمیزی را طرح کرده است: آشوبگران از قبل اقدام به تهیه تیر و کمان، جمع آوری سنگ و ساخت نازنجک های صوتی کرده اند!! و یا "از دستگیرشدگان مقادیر قابل توجهی نشریات موهن، کتب ضاله، اعلامیه های حاوی توهین به مقدسات و مشروبات الکلی کشف و ضبط شده است!! همچنین سایت رجانیز، وابسته به حکومت اعلام کرده است: "نهادهای امنیتی پس از انجام تحقیقات گسترده در دانشگاههای کشور هسته اصلی جریان کمونیست مرتبط با خارج از کشور را شناسایی و بازداشت کردند... برنامه هسته کمونیستی در آستانه روز ۱۶ آذر امسال، به آشوب

بی خبری کامل از سرنوشت یاسر گلی، دانشجوی در بند

خبرنامه امیرکبیر: در تاریخ هفدهم مهرماه یک دانشجوی دیگر دستگیر شد تا دولت فشار همه جانبه خود بر دانشجویان را از همان روزهای آغازین سال تحصیلی جدید به شدیدترین نحو ممکن آغاز کرده باشد. یاسر گلی از دانشجویان کرد که در سنج مشغول تحصیل بود، بازداشت شد.

یاسر در سال ۸۱ در رشته عمران دانشگاه آزاد سنج پذیرفته شد و در سال ۸۴ با برخی از دانشجویان دانشگاه آزاد جهت کسب مجوز یک انجمن سیاسی دست به تحصن زدند. آنها پس از این تحصن موفق به کسب مجوز اولین تشکل سیاسی اسلامی در تمام دانشگاه آزادهای ایران شدند. همچنین در سال ۸۴ طرح تاسیس یک اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد را برنامہ ریزی کردند که در اولین کنگره آن که در سنج برگزار شد، در اولین انتخابات او به عنوان دبیر کل انتخاب شد.

در خرداد سال ۸۵ در میان امتحانات، یاسر را به مدت ۱۵ روز بازداشت کردند و بعد با اتهام اقدام علیه امنیت ملی به ۴ ماه زندان

تعلیقی محکوم شد. در سال ۸۶ باتلاش فراوان در کنکور کارشناسی ارشد با رتبه بالا قبول شد. ولی با توجه به اینکه وی نیز جزء دانشجویان ستاره دار بود، از ثبت نام او خودداری کردند. اما با این اوصاف در کنکور دانشگاه آزاد نیز پذیرفته شد، ولی قبل از ثبت نام توسط اداره اطلاعات بازداشت شد.

خبرنامه امیرکبیر مصاحبه ای را با عمار گلی، برادر یاسر گلی، در مورد وضعیت فعلی این دانشجوی انجام داده است، که متن آن در زیر می آید:

خبرنامه امیرکبیر: آقای گلی، لطفاً از آخرین وضعیت یاسر بگویید. آیا تا به حال به یاسر ملاقات داده اند یا نه؟
عمار گلی: ملاقات حضوری خیر. اما چون می دانستیم روز بعد از بازداشت، یاسر را برای تفهیم اتهام به دادگاه می آورند آن روز یاسر را در دادگاه دیدیم ولی بعد از آن روز تا به حال یاسر را ندیده ایم.
خبرنامه امیرکبیر: آیا تا به حال یاسر تماس تلفنی داشته؟ از رفتار بازجوها چیزی به شما گفته است؟

عمار گلی: یاسر فقط دو تماس تلفنی با اصرار فراوان آن هم هر بار به مدت ۴ دقیقه با ما داشته است. خود شما بهتر می دانید که در چنین شرایطی به هیچ وجه اجازه بیان دقیق شرایط و فشارهای وارده را به زندانی نمی دهند و فقط توانست یک احوال پرسی ساده انجام دهد.

خبرنامه امیرکبیر: یاسر از طرف چه نهادی و در کجا دستگیر شد؟

عمار گلی: یاسر در ۱۷/۰۷/۸۶ هنگامی که جهت تصفیه حساب به دانشگاه آزاد سنج رفته بود در جلوی درب دانشگاه ظاهراً با حکم دادستان سنج بازداشت شد.

خبرنامه امیرکبیر: تاکنون چه اقداماتی را برای پیگیری وضعیت یاسر انجام داده اید؟ مسئولین مرتبط چه جواب هایی به شما داده اند و چه رفتاری با شما داشته اند؟ آیا از این که یاسر چه وقت آزاد می شود سخنی گفته اند؟

عمار گلی: تا امروز به هر نهادی که به این موضوع مربوط می شده حضوراً و همچنین زمانی که به ما ملاقات با مسئولین را نمی دادند به

وسیله نامه مساله را پیگیری می کردیم، ولی تا به حال هیچ یک از مسئولین پاسخگو نبوده و بسیار رفتار ناشایستی با ما داشته اند. گویی یک قاتل را دستگیر کرده اند. این عدم پاسخگویی بسیار ما را نگران کرده چون یاسر بیماری قلبی دارد. همچنین به آقای صالح نیکبخت که وکالت یاسر را بر عهده دارند، تا به حال نه تنها اجازه ملاقات با یاسر را نداده اند، حتی اجازه مطالعه پرونده را هم به او نداده اند.

خبرنامه امیرکبیر: آیا حقیقت دارد یاسر بیماری قلبی دارد؟

عمار گلی: بله. یک بیماری ارثی است. ما که سه برادریم هر سه به این بیماری مبتلا هستیم و برادر کوچکم قبل ما عمل جراحی قلب انجام داده است.

خبرنامه امیرکبیر: دلیل دستگیری پدران چه بود و چه مدت بازداشت بودند؟ آیا با وثیقه آزاد شدند؟

عمار گلی: نزدیک به ۳۰ روز از بازداشت یاسر گذشته بود که روزی پدرم به ستاد خبری اداره اطلاعات رفت تا از وضعیت یاسر با خبر شود که در آنجا با برخورد بسیار بد مسئولین روبرو شد و موبایل پدرم را از او می گیرند و به او می گویند

فردا بیا موبایل خود را ببر. روز بعد که پدرم به ستاد خبری مراجعه کرد با حکم دادستان او را نیز بازداشت کردند و علت بازداشت پدرم تشدید فشار بر یاسر بود. در دوران بازداشت پدرم بیشتر سوالها از وی، حول فعالیتهای یاسر در دانشگاه و خانواده خود ما بود. بعد ۶ روز که پدرم را به دادگاه آوردند، وی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی، آزاد کردند.

خبرنامه امیرکبیر: اگر صحبت دیگری دارید بفرمایید.

عمار گلی: من می خواستم اولاً به عنوان یک دانشجو و ثانیاً به عنوان برادر یاسر از آقای رئیس جمهور سوال کنم که آزادی که در دانشگاه کلمبیا فریاد میزدید و ادعا می کردید در هیچ جای جهان نمونه ندارد کجاست؟ آیا پیجویی حقوق یک ملت بی حق از طرف دانشجویان نشر اکاذیب است یا سخنان شما؟ چرا شما به شعور یک ملت با تمدن و فرهنگ غنی توهین می کنید؟ آیا پافشاری شما بر مساله هسته ای امنیت ملی را به مخاطره می اندازد یا دانشجویانی امثال برادر من که بر حقوق از دست رفته یک ملت پافشاری می کنند.

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در چت روم اینسپیک و پلتناک توجه: از این پس این جلسات روز جمعه برگزار میشود

گفتار این هفته:

آیا آمریکا و جمهوری اسلامی به سمت سازش میروند؟
بررسی ریشه های کشمکش میان دولت آمریکا و حکومت اسلامی

زمان: جمعه ۲۳ آذر ماه ۸۶، ۱۴ دسامبر ۲۰۰۷، ساعت ۸:۳۰
شب بوقت ایران،

۷ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا
مکان: اطاق ایران - با حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب
کمونست کارگری در اینسپیک و پلتناک

مرگ یک کاروانچی دیگر بدست ماموران رژیم

کارگران شد اند.

کمیته کردستان حزب کمونست کارگری، ضمن تسلیت به خانواده و بستگان این کارگر، این جنایات ماموران انتظامی رژیم اسلامی را محکوم میکند و مردم پیرانشهر را به مبارزه و اعتراض علیه این آدم کشی فرا می خواند.

کمیته کردستان
حزب کمونست کارگری
۲۰ آذر ۸۶
۱۲ دسامبر ۲۰۰۷

بنا به خبری دریافتی روز دوشنبه ۱۹ آذر ۸۶ در اطراف پیرانشهر در محلی به اسم کانال در مرز ایران و عراق، پیرمرد ۶۰ ساله ای با حمل بار بیش از ۸۰ کیلو در حال عبور از این مسیر بود که از طرف ماموران انتظامی مستقر در این منطقه به طرف وی تیراندازی می شود. این کاروانچی برای نجات خود از تیراندازی ماموران رژیم با ۸۰ کیلویی شروع به دویدن میکند که با از دست دادن کنترل خود بر زمین می افتد که در همان لحظه دچار قطع نخاع میگردد که تا قبل از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست می دهد.

مزدوران رژیم مستقر در این منطقه با تیراندازی به سوی کارگران مرزی (کاروانچی ها) تا کنون سبب مرگ تعداد زیادی از این



www.wpiran.org
www.rowzane.com

از سایت های
حزب کمونست کارگری ایران
دیدن کنید

وخامت و صعیت جسمانی محمود صالحی و تحت فشار قرار دادن او از لحاظ روحی



کاربدستان زندان مرکزی شهر سنجند، در روز ۱۳ آذر ماه بنا به دلایلی تصمیم میگیرند که تعدادی از زندانیان این زندان و از جمله محمود صالحی را جابجا کنند. ماموران زندان، تعداد ۲۰ الی ۳۰ نفر از زندانیان، که بیشتر زندانی سیاسی هستند و در بند ۷ نگه‌داری میشدند را از دیگر زندانیان جدا کرده و آنها را با خشونت و ضرب و شتم به بند ۲ انتقال میدهند.

در اعتراض به این ناعدالتی، یکی از زندانیان به اسم "حمید کوثر نیا" دست به اعتصاب غذا میزند. طبق گزارش رسیده، پنج روز از اعتصاب غذای او میگذرد و تا این لحظه نیز در اعتصاب غذا به سر میبرد. در همین راستا تعدادی دیگر از زندانیان اعلام آمادگی کرده‌اند که به اعتصاب غذای "حمید کوثر نیا" در اعتراض به وضعیت موجود درون زندان، برخورد وحشیانه زندانبانان، تغذیه نامناسب، کمبود امکانات بهداشتی، عدم توجه به سلامت زندانیان و ضرب و شتم زندانیان، بپیوندند.

بند ۲ از بندهای دیگر زندان فاصله دارد و زندانیانی که در این بند نگه‌داری میشوند قادر به تماس با دیگر زندانیان این زندان نیستند. حتی حمام و محل هواخوری آنها نیز با سایر بندهای دیگر متفاوت است. در بندهای دیگر و خصوصاً بند ۷ که بیشتر محمود صالحی در آن نگه‌داری میشد، زندانیان قادر بوده که همدیگر را ببینند و حتی در صورتی که سرویسهای خدماتی در یکی از این بندها قابل استفاده نباشد، این امکان وجود دارد که به دیگر بندها رفته و از سرویس خدماتی و امکانات آنها استفاده

بیمارستان، دست او و گاهی دست و پایش را به تخت بیمارستان میبندند.

هر بار برای کنترل فشار خون، داروی آرام بخش را به او تزریق میکنند و در طول ایامی که در زندان به سر میبرد، بنا به تزریق بیش از حد آمپول، تمام رگهای دست او کبود شده بطوری که دیگر پذیرای تزریق نیستند. به همین دلیل بعضی اوقات آمپول را به پای او تزریق میکنند که البته پاهایش نیز ورم کرده و همین عوامل باعث شده تا پزشک معالجه‌ای که اخیراً محمود صالحی را مداوا کرده، تصور کند که محمود صالحی معتاد است.

اظهارات پزشک معالج، فشار روحی وارده به محمود صالحی را دوچندان میکنند. محمود صالحی متذکر میشود که زندانی سیاسی است نه معتاد. اما پزشک معالج بر گفته خود تاکید کرده و گفته است: "این جسم متعلق به یک معتاد است نه یک زندانی سیاسی".

برخورد غیر انسانی مامور زندان و متعاقباً اظهارات پزشک معالج، محمود صالحی را زیر فشار قرار داده به طوری که او اظهار کرده است که دیگر به بیمارستان نخواهد رفت، چرا که او را تحقیر میکنند و گمان میکنند که او معتاد است.

کارگران، مردم دلسوز و آگاه؛ وضعیت جسمی محمود صالحی به شدت وخیم است. یکی از کلیه‌های او از کار افتاده و بدلیل محرومیت از مداوای موثر، کلیه دیگرش نیز دارد از کار میافتد. فشار خون او متغیر و چربی قندش بالا رفته است، عدم مداوای کلیه، بر قلب وی نیز تاثیر گذاشته است. پاهای او ورم کرده و تزریق بیش از حد آمپول آرامبخش، سلامتی او را بیشتر به مخاطره میندازد.

همطبقه‌ایها؛ سلامتی روحی و جسمی محمود صالحی در خطر است. محافظان سرمایه نه تنها به او مجوز مراجعه به پزشک متخصص را نمیدهند بلکه از لحاظ روحی نیز وی را تحت فشار گذاشته‌اند. زندانبانان او را به بند ۲ زندان مرکزی شهر سنجند انتقال داده که از

داد. او همچنین تاکید کرده است که، "قاسم رحمانی" یکی از ماموران زندان که به "محمود صالحی" بی‌حرمتی کرده بود، باید از "محمود صالحی" معذرت خواهی کند.

لازم به ذکر است که، "حمید کوثر نیا" تا این لحظه هنوز در اعتصاب غذا به سر میبرد.

بعد از این موضوع، زندانبانان "قاسم رحمانی" به بند ۲ رفته و در حضور همه زندانیان بند ۲ و به خاطر ایجاد فضای رعب و وحشت در داخل زندان، "محمود صالحی" را مجدداً مورد بی‌حرمتی قرار داده و گفته است که "من در قبال مبلغ ۳۰ هزار تومان آدم میکشم و کشتن محمود صالحی برای من آسان است".

سپس "قاسم رحمانی" زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار داده تا مانع حمایت آنها از محمود صالحی گردد، او همچنین به زندانیان گفته است که "هر کس از صالحی حمایت کند با خشم و ضرب و شتم من روبرو است.

قابل ذکر است که مسئولین زندان این مامور را برای آزار و اذیت زندانیان آزاد گذاشته‌اند.

برخورد های غیر انسانی مسئولین زندان و از جمله، حمله هیستریک "قاسم رحمانی" مجدداً محمود صالحی را از لحاظ روحی و جسمی تحت فشار گذاشته به صورتی که صبح روز سه شنبه مورخ ۲۰/۸/۹۷ در حالی که محمود صالحی در بی‌هوشی مطلق به سر برده وی را به بیمارستان توحید شهر سنجند انتقال داده‌اند. پزشکان اصرار کرده‌اند که به مدت ۶ الی ۷ ساعت نباید او را تکان داد. آنها همچنین اصرار کرده اند که او باید به پزشک متخصص مراجعه کند. محمود صالحی تا این لحظه بی‌هوش و در بیمارستان توحید سنجند به سر میبرد.

کمیته دفاع از محمود صالحی
سه شنبه مورخ ۲۰/۹/۸۶
Kdms50@yahoo.com

www.kdmahmoodsalehi.blogfa.com

**فعالین کارگری،
باید فوراً و بدون قید و شرط
آزاد شوند!**

لحاظ امکانات بهداشتی مطلقاً شایسته نگهداری یک بیمار کلیوی نیست، علیرغم همه اینها او را به مرگ تهدید کرده‌اند.

محافظان سرمایه با رد درخواست پزشک معالج محمود صالحی، که تقاضای معالجه فوری او را کرده بود، عملاً دارند او را زجر کش میکنند.

محمود صالحی باید هر چه زودتر معالجه شود و در این راستا باید او را به هر طریق ممکن یاری دهیم.

کمیته دفاع از محمود صالحی

شنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۶
Kdms50@yahoo.com

www.kdmahmoodsalehi.blogfa.com

انتقال محمود صالحی به بیمارستان، ادامه اعتصاب غذای "حمید کوثر نیا" و ضرب و شتم زندانیان زندان مرکزی شهر سنجند

"حمید کوثر نیا" یکی از زندانیان زندان مرکزی شهر سنجند، که در اعتراض به برخورد غیر انسانی مسئولین زندان به زندانیان بند ۷، دست به اعتصاب غذا زده است، روز دوشنبه مورخ ۹/۸/۹۷/۸۶ وارد ششمین روز اعتصاب غذای خود شد.

مسئولین زندان، "حمید کوثر نیا" را به قرنطینه برده و از او خواسته‌اند تا به اعتصاب غذایش پایان دهد.

"حمید کوثر نیا" تاکید کرده است که، مسئولین زندان به خاطر ضرب و شتم و توهین به زندانیان بند ۷، باید از زندانیان معذرت خواهی کرده و زندانیانی را که به بندهای دیگر منتقل کرده‌اند، باید به آنها از نظر جا و تخت و وضعیت غذا رسیدگی شود.

"حمید کوثر نیا" به مسئولین زندان تذکر داد است که در صورت عدم توجه به خواسته‌های مطرح شده، به اعتصاب غذا ادامه خواهد

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو دانشجویان در بند باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

از چند روز مانده به ۱۶ آذر امسال، تاکنون ۳۰ نفر از دانشجویان از طریق یورش به منازل شان و یا در خیابان و دانشگاه بازداشت و روانه زندانها شده اند. سیاست تشدید سرکوب و بازداشت فعالین جنبشهای مختلف اجتماعی، سیاست تازه ای نیست و مدتهاست که تشدید این سیاستها به تنها رویکرد برخورد طبقه حاکم به جنبشهای اجتماعی در ایران تبدیل شده است.

کارگران و رهبران آنان را به جرم ایجاد تشکل و برگزاری مراسم اول ماه مه بازداشت و روانه زندانها کرده اند، اعتراض آنان را به عدم پرداخت

دستمزدهای زیر خط فقر، بیش از پیش با نیروی باتوم بدست و بازداشت و زندان پاسخ داده اند و جوانان دانشجو را که تمامی وجودشان مالا مال از برابری خواهی و آرمانهای انسانی است به کمیته های انضباطی کشانده و آنان را با اتهامات واهی از ادامه تحصیل محروم و روانه زندانها کرده اند و در تداوم این سیاستها، طی چند روز گذشته در تعرضی از سر استیصال و درماندگی در برابر شکوفایی روز افزون جنبش برابری خواهی در میان دانشجویان و برای جلوگیری از برگزاری مراسم ۱۶ آذر، هجومی گسترده را در مراکز دانشگاهی

سازمان داده و ۳۰ نفر از رهبران و فعالین برابری طلب دانشجو را در آستانه ۱۶ آذر روانه زندانها کردند. چنین وضعیتی غیر قابل تحمل است و بی تردید این سیاستها در روند تداوم خود، موج برگشت هر چه قدرتمند و تعرضی تری را از جانب دانشجویان و کارگران بر علیه اعمال کنندگان آن ایجاد خواهد کرد.

کارگران

جنبش دانشجویی متحد پیگیر ما کارگران است، امروز جنبش دانشجویی بیش از هر زمان دیگری پرچم مطالبات انسانی ما کارگران را بر افراشته و دانشجویان در لحظه

لحظه های مبارزات ما کارگران، دوشادوش ما حرکت و جانفشانی کرده اند. آنان بویژه در چند سال گذشته، در هر فرصتی پرچم و پلاکاردهای حمایت از ما کارگران را بر دوش کشیده و مدافع جسور و بیگیر طبقه ما بوده اند. نباید آنان را تنها گذاشت و باید به هر وسیله ممکن از دانشجویان حمایت کرد و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی دانشجویان در بند شد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با محکوم کردن تعرض به دانشجویان و بازداشت گسترده آنان، خود را متحد جنبش دانشجویی میداند و خواهان تحقق فوری مطالبات زیر است:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دانشجویانی که تا کنون

بازداشت و یا محکوم به زندان شده و دوران محکومیت خود را می گذرانند

۲- آزادی ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی

۳- بر چیدن کمیته های انضباطی و پایان دادن به احضار دانشجویان به این کمیته ها

۴- بازگشت به تحصیل کلیه دانشجویانی که تا کنون اخراج و محروم از تحصیل شده اند

۵- ممنوعیت ورود نیروهای امنیتی به دانشگاهها و پایان دادن به تعقیب و آزار و اذیت فعالین و رهبران دانشجویی

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۱۶/۹/۱۳۸۶

www.ettehade.com

k.ehrajji@gmail.com

کارگران هفت تپه با دست زدن به اعتصاب، حقوق خود را دریافت کردند فعالین کارگری در هفت تپه همچنان تحت فشار وزارت اطلاعات هستند

بنا به گزارشات دریافتی، کارگران نیشکر هفت تپه از ابتدای صبح دوشنبه ۱۹ آذرماه (۱۰ دسامبر) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق آبان ماه دست به اعتصاب زدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند. مدیریت بلافاصله از

کارگران خواست دست از اعتصاب بردارند اما کارگران اعلام کردند که تا دریافت حقوق به اعتصاب پایان نخواهند داد. ساعت ۱۰ صبح مدیریت مجبور به پرداخت حقوق ها شد و کارگران به اعتصاب پایان دادند.

کارگران بخوبی دریافته اند که تنها با قدرت متحد خود و دست زدن به اعتصاب میتوانند خواستههای خود را از حلقوم کارفرما و دولت بیرون کنند. از طرف دیگر وزارت اطلاعات همچنان تلاش میکنند که با

دستگیری و بازجویی و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری در هفت تپه، کارگران را به تسلیم بکشاند.

حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی را شدیداً بخاطر اعمال ضد کارگری و سرکوبگرانه اش محکوم میکند و از همه مراکز کارگری، از دانشجویان و کلیه مردم آزادیخواه میخواهد که از کارگران هفت تپه حمایت کنند و دستگیری

فعالین کارگری را محکوم کنند. در سطح جهانی نیز حزب تلاش خود را برای بسیج سازمانهای کارگری برای حمایت از کارگران هفت تپه و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی بعمل خواهد آورد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ آذرماه ۱۳۸۶
۱۱ دسامبر ۲۰۰۷

برو توی بند، عین سگ بمیر!

این آخرین جمله ای بود که از طرف حاج ناصر و مومنی دو تن از مسئولین زندان اوین خطاب به اکبرمحمدی گفته شد. اما در روزنامه حمایت مورخ ۱۴ آذرماه ۸۶ ارگان رسمی سازمان زندانها مطلبی از قول عضو ستاد حقوق بشر قوه قضاییه آقای محمدعلی ابراهیم خانی چاپ شده است که در آن ایشان مدعی شده اند در حال رفع ابهامات مرگ اکبر محمدی جهت ارسال این گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل هستند. او در همان حال مدعی شده اند، حقوق

بشر و آزادی اکبر محمدی نه تهدید شده و نه نقض گردیده است. و برخورد صورت گرفته با زندانی نیز غیر متعارف نبوده و مثل سایر زندانیان با ایشان رفتار شده است. که صد البته فرمایشات این مقام درست است. زیرا مسئولین زندان اوین با همه زندانیان سیاسی چنین رفتار میکنند. رفتار آنها با زندانیان سیاسی نه تنها بدور از موازین و حقوق بشر بلکه کاملاً پلیسی و توأم با تجاوز به حقوق زندانیان و سرکوب و شکنجه آنها است و این رفتار در بین زندانبانان اوین يك امر عادی

تلقی میشود. و بر کسی پوشیده نیست که اکبر محمدی به مدت چهار شبانه روز با دستبند و پایند به تخت بهداری زندان اوین بسته شده بود. و شب آخر به جهت جلوگیری از اعتراضات مکرر زندانی، دهان او را با چسب پانسمان بستند. البته گویا این شکنجه به دستور مدیر وقت زندان اوین و مدیر داخلی زندان کیان پور صورت گرفته بود. ولی باید دید که چه کسانی پشت پرده این سناریوی دهشتناک قرارداداشتند. یکساعت قبل از مرگ اکبرمحمدی را بصورت غیر انسانی به بند ۳۵۰ انتقال دادند. هنوز جای چسب پانسمان بر لبهای خشک و ترک خورده و جای پایند و

دستبند بر دست و پای او بود. ادرار ناخواسته و لباسهای متعفن او حکایت از نه تنها برخورد غیر انسانی مسئولین زندان اوین داشت بلکه در همین اوضاع نیز مرتب او را با کلمات رکیک مورد تحقیر قرار داده و از لحاظ روحی و روانی او را مورد شکنجه قرار میدادند. که انسان را به یاد رفتار در زندانهای آشویتس می انداخت. به راستی چه کسی پاسخگوی شکنجه و برخورد غیر انسانی مسئولین زندان اوین با متهمین سیاسی است؟ آیا کسی پاسخگوی افکار عمومی دنیا و سازمانهای حقوق بشری و مدافع حقوق انسان به دوستان و خانواده اکبر محمدی است؟

گویا آقای محمد علی ابراهیم خانی فراموش کرده اند که در همان زمان این جانب و تعداد زیادی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ با انتشار بیانیه ای خواستار پیگیری مرگ مشکوک و معرفی آرمین و عاملین این جنایت ضد بشری شده بودیم. ولی گویا این جریان توسط عوامل پشت پرده ساخته شده و سناریوی برخورد و شکنجه با زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد...

زندانی سیاسی خالد هردانی
۱۶ آذر ۱۳۸۶
باز تکثیر از
کمیته بین المللی علیه اعدام
www.adpi.net

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!